

شهر؛ کالبدی واحد، محتوایی میان رشته ای

دکتر مجید یاسوری^۱، مریم سجودی^۲

چکیده:

شهر، بستر و کالبدی است واحد که البته مفاهیم، تعاریف و محتوای متفاوتی از جانب صاحب نظران علوم مختلف دارد. این تنوع و نگاه های مختلف به شهر، بیان گر بعد فراکالبدی و گستردگی ابعاد و زمینه های گوناگونی است که تحت پوشش شهر قرار گرفته اند. این مقاله بر آن است تا نظر و دیدگاه طیف گسترده ای از علوم را نسبت به شهر بررسی کند. روش انجام مقاله اسنادی و کتابخانه ای و واکاوی و تحلیل دیدگاه های علوم مورد بررسی در باب شهر بوده است. یافته های این مقاله منتج به تقسیم بندی های مختلفی در بین علوم مورد بررسی گردید. برخی علوم مانند معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، عمران دارای تعبیر مشابه نسبت به شهر هستند که این امر بیان گر زمینه های مشترک و همپوشانی موضوعی بین آن رشته هاست. برخی دیگر از علوم دارای نوعی تضاد و عدم درک مشترک نسبت به شهرند. به نحوی که شاعران چهره ای منفور و بیگانه از شهر را به تصویر می کشند اما شهر از دیدگاه علم جغرافیای شهری مظهر پیشرفت و سعادت بشر معرفی می شود. به علاوه در دسته ای از علوم تاکید بر جنبه های فیزیکی و کالبدی شهر است مانند علوم عمران، معماری، سیرننتیک، شهرسازی و... و در دسته ای دیگر توجه بر بعد محتوایی و فراکالبدی است مانند شهر از نگاه شاعران، جامعه شناسی شهری، روانشناسی محیطی و...

واژه های کلیدی: شهر، کالبد، محتوا، میان رشته ای، علوم.

۱. مقدمه

شهر کالبدیست که در ظاهر به چشم همگان یکسان می نماید و به مثابه ی بستری است که انسان ها و انواع کاربری های متعدد را در خود جای داده است اما واقعیت این است که شهر را مفهومیست فراتر از آنچه که مشاهده می گردد. چرا که "شهر نظامی بسیار پیچیده و باز است، که نیروهای متفاوت و در هم تنیده با تاثیرات متقابل به صورت همزمان به آن شکل می دهند. این نیروها که از شهری به شهر دیگر متفاوت اند متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی جوامع می باشند" (مقتدری اصفهانی، ۱۳۸۹، ۹۴). این نظام پیچیده موجب ارتباط پیدا نمودن و درگیر شدن سایر علوم با شهر می گردد و بالتبع ماهیتی میان رشته ای را برای شهر به وجود می آورد. حال با توجه به این که هنوز هم تعریف جامع و مانعی که بتواند شهر را معرفی نماید و مورد توافق همگان باشد ارائه نگردیده است. مطمئناً تاکید و توجه بر ماهیت میان رشته ای شهر و بهره گیری از نظرات، تاکیدات و دیدگاه های علوم مختلف که از زمینه های فکری آن علم خاص سرچشمه گرفته است؛ می تواند ابعاد و زوایای مختلفی از شهر را نمایان سازد و کمک شایانی به دست یابی به تعریف جامع و همه جانبه نگر را فراهم می آورد. جهت بررسی این مساله مقاله ی حاضر در جست و جوی شناسایی این تعبیر در طیف گسترده ای از علوم و استخراج نکات کلیدی، تشابهات و تمایزات بین علوم مختلف بوده است. علوم مورد بررسی که از حوزه های مختلف به عنوان جامعه ی هدف انتخاب گردیدند؛ شامل علم جغرافیا، جامعه شناسی، معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، روانشناسی محیطی، عمران، تاریخ، اقتصاد، بیولوژی، سیرننتیک، هنر شعر، سیاست، اقتصاد سیاسی بوده است. چرا که زمینه ها و پایه های متفاوت علوم فوق یقیناً تعبیر و دیدگاه های متفاوتی را نسبت به شهر به دنبال خواهد داشت؛ به عنوان مثال وقتی که علم عمران شهر را منشا تولید و منحصرأ محل سود آوری می داند و علم معماری شهر را به عنوان مکانی که باید در آن افراشتن و آراستن

^۱-استاد جغرافیا دانشگاه گیلان، yasoori@um.ac.ir

^۲- کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان topurbanplanner70@gmail.com

بنا و ساختمان‌ها پرداخت می‌بینند؛ روانشناسی محیطی پا از کالبد فراتر می‌نهد و در پی بررسی و تحلیل رفتار انسان در رابطه با سکونت‌گاه‌ها یا محیط کالبدی می‌باشد. و یا زمانی که مدیریت شهری در جست و جوی دست‌یابی به حقوق و قوانین شهری و حرکت بر اساس ضوابط و مقررات شهرسازیست، سیبرنتیک در شهرها دیدی ترکیبی و جامع را پیشنهاد می‌نماید. همچنین است زمانی که جغرافیا شهرها را مکان‌پویایی، حرکت، تعامل و سرزندگی معرفی می‌نماید و علم و هنر شعر و شاعران را به عنوان نمایندگان آن، از زشتی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و پلشتی‌ها و سیمانی شده شهرها ناله‌ها سر می‌دهند و... این مقاله در ابتدا به مفهوم شناسی شهر و ارائه‌ی تعریفی نو از شهر و سپس بررسی و مقایسه‌ی نظریات علوم مختلفی از شاخه‌های علوم بشری، به بیان تشابهات و تمایزات بین علوم مختلف در مورد مفهوم شهر پرداخته است.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

اگر چه پرداختن به ابعاد و زوایای مختلف شهر همواره مورد توجه پژوهشگرانی از علوم مختلف به خصوص کارشناسان و برنامه‌ریزان امور شهری بوده است؛ اما توجه به ماهیت میان رشته‌ای شهر کمتر مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه سعی می‌شود به برخی از مهم‌ترین مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه اشاره گردد.

لایت^۱ و همکارانش در مقاله‌ی خود تحت عنوان "توسعه پایدار و نوآوری در یک شهر جهانی: طراحی میان رشته‌ای برای سائو پائولو، برزیل" مطالعه‌ی خود را به عنوان یک شهر جهانی با جمعیت ۱۸ میلیون نفر، انجام داد. لایت و همکارانش پروژه‌های نوآورانه برای توسعه پایدار مجدد از یک میدان راه آهن قهوه‌ای در بخش مرکزی شهرستان با چگالی بالا را به عنوان فرصتی برای تحولات ارضی و اجتماعی مثبت به چالش کشیدند. آن‌ها نتایج پایان این استودیو سمینار میان رشته‌ای را بسیار مثبت ارزیابی کردند. چرا که آن‌ها در یک موقعیت کاملاً جدید در یک شهر متراکم به نام سائوپائولو قرار گرفته بودند که این موقعیت پیچیده سبب گردید تا آن‌ها از رویکردهای چند سطحی استفاده کنند و این فرایند منجر به آموزش همراه با اجرا گردید و همچنین زمینه را برای مطالعه‌ی جاده‌های حرفه‌ای جدید برای علاقه‌مندان در توسعه‌ی بین‌المللی باز نمود (Leite, del Rio, Felix, ۲۰۰۵، ۹۲-۸۸).

ریاضی در مقاله‌ی خود تحت عنوان "شهر؛ پدیده‌های میان رشته‌ای" معتقد است در میان پدیده‌هایی که میان رشته‌ای بودن آنها، آشکار و روشن است، پدیده شهر می‌باشد که حداقل سه رشته مهم جغرافیا، علوم اجتماعی و معماری در حوزه‌ی علوم و معرفت به تبیین و بررسی این پدیده، به نحو مرتبط و نه مستقل، پرداخته‌اند. در گذر زمان هریک از این رشته‌ها با مراجعه و استفاده از نظم دانشی یکدیگر عملاً نوعی رویکرد میان رشته‌ای به مسائل خود اتخاذ کرده‌اند و آنچه پرداختن به موضوع میان رشته‌ی شهر را ضروری می‌سازد گستردگی ابعاد آن است. توجه پدیدارشناسان، اقتصاددانان، متخصصان مطالعات فرهنگی، صاحب‌نظران محیط زیست، مهندسان راه و ساختمان، اصحاب قدرت و نظریه پردازان اندیشه سیاسی و... به شهر موضوعی است که نمی‌توان به سادگی از آن صرف نظر کرد. در این مقاله، به پنج بعد برجسته و آشکار فضا، رسانه، سیاست، اقتصاد، فرهنگ پرداخته شده است (ریاضی، ۱۳۹۲، ۱۰۱).

ایراندوست در مقاله‌ی خود تحت عنوان "درآمدی بر ماهیت میان رشته‌ای جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری" معتقد است: جغرافیا از پیش‌تازان عرصه آموزش و پژوهش در زمینه امور شهری به شمار می‌آید. اگرچه تاریخ علم جغرافیا با تاریخ زندگی بشر بر روی کره‌خاکی و شناخت انسان از محیط پیرامون خود آغاز می‌شود اما جغرافیای شهری با سابقه‌ای کوتاه (در مقایسه با سایر شاخه‌های جغرافیا) بسیار سریع به یکی از رشته‌های پرکاربرد علمی در سطح جهان بدل شد. هم‌زمان، رشته برنامه‌ریزی شهری تکوین و تکامل خود را آغاز کرد و ابتدا در غرب و سپس در کشورهای در حال توسعه جایگاه خود را در دانشگاه و عرصه‌های تخصصی باز کرد. غالباً این توافق وجود دارد که جغرافیا شهری و برنامه‌ریزی شهری هر دو از علوم جدید هستند و ماهیتی میان‌رشته‌ای دارند و پیوندهای مشخص و روشنی در روند تکاملی خود دارند. جغرافیای شهری در حالی که ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد، به جزئی از رشته

جدید برنامه‌ریزی شهری بدل شده است و برنامه‌ریزی شهری با بهره‌گیری از علم جغرافیا و سایر علوم شهری یک نظم میان‌رشته‌ای جدید را جهت کاربردی کردن و مدیریت تلفیق علوم موجود در راستای حل مسائل و مشکلات شهری بنیان گذاشت (ایراندوست، ۱۳۹۱، ۱).

جهان بین در مقاله‌ای تحت عنوان "مفهوم ماهیت شهر و معرفی شاخص‌ها و معیارهای سنجش آن در دوران معاصر" معتقد است از آن جا که هر گونه تصمیم‌سازی درباره‌ی وضعیت، مستلزم شناخت درست آن وضعیت است و عمیق‌ترین لایه‌ی شناخت هر پدیدار، شناخت وجود آن پدیدار است، با توجه به بحران‌هایی که در حال حاضر گریبان‌گیر شهر در ایران معاصر است، تلاش می‌کند برای شناخت دقیق وضعیت شهر ایرانی تعریفی دقیق از ماهیت شهر مبتنی بر آگاهی هستی‌شناسیک از مبحث وجود‌ارایه نماید. همچنین وی بر اساس مطالعات خود تعاریف موجود درباره‌ی شهر و عناصر ماهوی آن را شامل: عددی، تاریخی، حقوقی، جغرافیایی، در برابر روستا و انسان مدار معرفی می‌نماید (جهان‌بین، ۱۳۸۸، ۱۵-۲۰).

۳. مفهوم شناسی شهر

چنانچه بخواهیم از فضای شهری تعریفی صرفاً کالبدی ارائه دهیم، کلیه مکان‌های مابین ساختمان‌های شهری را می‌توان فضاهای شهری قلمداد کرد. اما دو عنصر ارتباطات و زیبایی‌شناسی ما را از اطلاق تعریف مذکور باز می‌دارد. بنابراین فضای شهری فضای مابین ساختمان‌های شهری است و دارای ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و محل بروز و نمود تعاملات اجتماعی شهروندان است (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۸۹). هم‌چنین کوین لینچ^۱ (۱۹۷۲) اعتقاد دارد فضاهای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود و در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزها شکسته شده و برخورد‌های از پیش تدوین‌نیافته اتفاق افتاده و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم ارتباط برقرار کنند (ربانی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۶). همان‌گونه که مشاهده می‌شود ارزش‌هایی چون کالبد‌های شهری، عناصر مفهوم‌دهنده به محتوای شهر، ارتباطات اعم از ارتباطات فیزیکی و یا ارتباطات و تعاملات روانی و عاطفی، بافت و ساختار شهری، زیبایی، میزان نفوذ و دخالت تکنولوژی، امنیت شهری و... پدید آورنده‌ی فضاهایی کاملاً و تماماً متفاوت را به نمایش خواهند گذاشت؛ بنابراین باید انتظار داشت که شهرها بسته به میزان برخورداری و بهرمندی از عوامل فوق فضاهای شهری متفاوت و گاه متضادی را به نمایش بگذارند. به بیانی دیگر شهر مکانیست که حقیقت و عینیت را در هم آمیخته است و حقیقت را به شیوه‌ای آهنگین و پر رمز و راز در واقعیت و کالبد خود به نمایش گذاشته است؛ به همین سبب شهرها همواره آینه‌ای تمام‌نما از علم، هنر و ذوق و قریحه‌ی ساکنان و سازندگان خود بوده‌اند به طوری که بازتابی از عالم واقع و عالم معنا بوده‌اند و در عین حال منعکس‌کننده‌ی افکار، عقاید و ذهنیات حاکمان و مدیران شهری. به حقیقت "تغییر در واکنش‌های انسان‌ها نسبت به هم و هم نسبت به محیط به تحول اجتماعی و دگرگونی فضایی امکان داده که نمود عینی آن به صورت یک پدیده‌ی نو که اصطلاحاً "شهر" نامیده می‌شود، نمایان گردد. همچنین ویژگی‌های شهر و مفهوم آن در دوره‌های مختلف تاریخی و مناطق مختلف یکسان نبوده و مفهوم آن در هر دوره و مناسب با هر سرزمینی در مسیر تاریخ تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. اختصاص واژه‌هایی به مانند: پولیس، هگمتانه (محل اجتماع)، پاسارگاد (اردوگاه پارسیان)، کهندژ، شارستان، شهر، شهرستان، مصر، قصبه، مدینه و امثال این‌ها به اجتماعات بزرگ انسانی و چه پدیده‌ی نو ظهور اجتماعی، خارج از مفهوم جوامع اولیه و به اصطلاح روستا نمونه‌ای از این تفاوت‌ها در نگرش به مفهوم شهر می‌باشد" (نظریان، ۱۳۸۹، ک). به نظر فردریک فن ریشتن شهر اجتماعی از انسان‌ها در مکان معینی است که حیات عادی آنان از فعالیت‌های غیر زراعی به ویژه از راه بازرگانی و صنعت تامین می‌گردد. برای ژان برون و پیر دفونتن، شهر در برابر قصبه و بخش که اکثریت ساکنان آن خارج از منطقه‌ی شهری قرار دارند، قرار می‌گیرد که اکثریت جمعیت آن قسمت اعظم وقت خود را در داخل منطقه‌ی شهری صرف می‌کنند و برای واگنر شهر نقطه‌ای از تمرکز امور بازرگانی است. راتزل در برابر اجتماعات موقتی و فصلی، شهر را محل اجتماع دائمی انسان‌ها و مسکن آن‌ها می‌داند. و ماکس سور که در مطالعات

^۱ Kevin Andrew Lynch، شهرساز و نویسنده‌ی آمریکایی که از جمله کتاب‌های تاثیرگذار وی سیمای شهر و تئوری شکل خوب شهر هستند.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه سوی الگوی اسلامی ایرانی؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

جغرافیای انسانی از جامعه شناسی مایه می گیرد، شهر را الگوی کاملی از زندگی اجتماعی می داند، اجتماعی که از سینه ی جوامع روستایی قد کشیده است. پیروزژ نیز بر این باور است که در اقتصاد سوسیالیستی حتی شهر می تواند مکان سکنی جماعتی باشد که حیات جمعیت شهری آن از طریق فعالیت های کشاورزی تامین می شود (فرید، ۱۳۹۱، ۱-۲). الکساندر نیز در کتاب شهر درخت نیست؛ شهرهایی را که کمابیش خود به خود و به مرور زمان شکل گرفته اند، «شهرهای طبیعی» و آن دسته از شهرها یا بخش هایی از آن ها را که دانسته توسط برنامه ریزان و طراحان طراحی شده اند، «شهرهای مصنوعی» می نامد و معتقد است امروزه در شهرهای مصنوعی جای عنصری اساسی خالی است. در مقایسه با شهرهای کهن که زنگار زندگی بر آن ها نشسته، تلاش های مدرن ما برای خلق مصنوعی شهرها، از نظرگاهی انسانی یکسر ناموفق است (الکساندر، ۱۳۹۰، ۲۳). این طور به نظر می رسد که به سبب وجود همین تعاریف متعدد است که ماکس دریو جغرافی دان معاصر فرانسه عقیده دارد که در شناخت شهر ها باید دید همه جانبه داشت و در این شناسایی حتی بر وسعت مورد اشغال شهر، بر رخساره و سیما و سبک و اصول معماری آن بر بناها و خیابان ها و بر خندق و برج و بارو و عبادت گاه شهر توجه داشت و بر موقعیتی که شهر از لحاظ فعالیت زراعی و غیر زراعی دارد، مشاغلی را که شهریان تعقیب می کنند و بالاخره بر نقش اداری، اقتصادی و حیات اجتماعی شهر اندیشید و انعکاس آن را در منظر برونی شهر دریافت. خلاصه آن که شهر ها به قدری متفاوت اند و نکات تباین آن ها به اندازه ای چشمگیر و وسیع است که کمتر می توان به وجوه مشترک آن ها پی برد تا مبنایی بر تعریف جامعی از شهر باشد (فرید، ۱۳۹۱، ۵و۶). به طور عمومی شهر مفهوم جغرافیایی کمال یافته و تعریف شده ای است که جمعی از انسان ها مطابق قوانین و مقررات - متکی و برخاسته از عقلانیت - که همگان ملزم به رعایت و البته اجرای عادلانه ی آن ها اطمینان دارند؛ در آن زندگی می کنند و می توانند پاسخ همه ی نیازهای خویش را در محدوده ی نیازهای آن بیابند. هر کدام از تعبیر محدوده ی جغرافیایی، قوانین و مقررات زندگی بر اساس آرا و عقاید و مبانی فکری و عقلانیت حاکم بر جامعه تعریف می گردد (نقی زاده، ۱۳۹۲، ۶۱). بنابراین شاید بتوان گفت: شهر زیست گاهی است انسان ساخت و در زیر یک قدرت سیاسی مشخص، که تمرکز جمعیتی نسبتا پایدار را در درون خود جای می دهد، فضاهایی ویژه بر اساس تخصص های حرفه ای به وجود می آورد، تفکیکی کمابیش مشخص و فزاینده میان بافت های مسکونی و بافت های کاری ایجاد می کند و فرهنگی خاص را به نشانه حاصلی از روابط درونی خویش پدید می آورد که خود خرده فرهنگ های بی شماری را حمل می کند (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۴). با این حال می توان گفت با توجه به نگاه های متفاوت از جانب اندیشمندانی از حوزه های مختلف، که شهر را به فراخور دنیای خویش ترسیم و معرفی کرده اند؛ مامفورد با تعبیر زیبایی در کتاب فرهنگ شهری مدعیست در یکی از خط های مصری مفهوم کلمه شهر به معنی "مادر" بوده است. در حقیقت شهر کار خود را با هدف بازسازی گیتی و به زمین آوردن کائنات آغاز نمود و بدین ترتیب به نمادی از آنچه امکان پذیر است بدل گردید (مامفورد، ۱۹۶۱، ۲۹). گویا به همین سبب است که صاحب نظران اکثر علوم در گوشه ای از دستاوردها و یافته های احساس تعلق و تعهد نموده اند، به شهری که بستری برای به ظهور رسیدن و شکوفایی توانمندی هایشان بوده است و سعی کرده اند تا این احساس دین را با ارائه ی تعریفی حتی به قدری جامع تر و رسا تر از تعاریف قبلی، جبران نمایند و شهر را همچون موجودیتی دارای حیات و نشو و نمو در نظر گیرند. برای ارائه ی چنین تعریفی، در وهله ی اول "دست یافتن به چهره ی خارجی یک مرکز تجمع شهری برای جغرافیای انسانی پر معنی و با اهمیت است. یک شهر قبل از هر چیز سیما و منظری دارد و چهره ی خارجی مناظر نیز عامل طبقه بندی آنهاست. پس می توان مناظر را طبقه بندی کرد و برای شهر ها هم طبقه ای شناخت. به علاوه در چهره ی خارجی یک شهر عواملی چون عدد جمعیت، جنبه ی تاریخی، منشا زراعی، صنعتی و ... منعکس است. بدیهی است شناخت سیما و مناظر شهر نیازمند مهارت های لازم است. با این وجود، چهره ی خارجی عمق قضایا را به ما نشان می دهد" (رضوانی، ۱۳۸۹، ۱۲). با توجه به توضیحات فوق همچنان می توان اظهار نمود که "امروزه تعریف جامعی از شهر که بتواند شامل کلیه ی شهر های جهان باشد مشکل است چرا که شهرها به سیستم های اقتصادی، اجتماعی همسان وابسته نبوده و نکات مشترکی بین آن ها وجود ندارد" (نظریان، ۱۳۹۲، ۴۱). و اکثرا تعریف رضایت بخشی از آن به دست نداده اند؛ زیرا شهر مثل هر پدیده ی جغرافیایی و اجتماعی یک تجرید است ولی عناصر متشکله آن مانند ساکنان، ساختمان ها، شبکه ی حمل و نقل، تاسیسات و

تجهیزات و همه ی وجود های عینی با ماهیت های متنوع در آن ظاهر می گردند (ادیبی، ۱۳۵۵، ۲۰). اما آنچه در کلیه تعاریف پیداست اینست که شهر محیط و چشم اندازی انسان ساخت است که در نتیجه تلاش بشری و تغییر شیوه زندگی انسان ها در طول تاریخ به تکامل رسیده است. این محیط تابع فعالیت ها و اثرپذیری و اثرگذاری و نیز جهان بینی انسان ها بوده است. از این رو، فعالیت غالب ساکنان شهر تعیین کننده کارکرد آن بوده و به دنبال آن شخصیت شهر را شکل گرفته و خود این فضا نیز به نوعی متقابلا بر رفتار و شخصیت ساکنانش تاثیر گذاشته، به نحوی که شهرنشینان از دیگر محیط های سکونت گاهی نظیر روستا با استفاده این شاخص ها که به برخی اشاره گردید؛ از روستا به راحتی تمیز داده می شود. وسعت، وضعیت و نوع فعالیت اقتصادی، درجه اشتغال و قشربندی اجتماعی، درجه پیچیدگی روابط و مناسبات، چگونگی بهره گیری از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و میزان و ترکیب جمعیت از جمله این شاخص هاست (حسینی، ۱۳۹۰، ۴۹-۵۰).

۳. ماهیت میان رشته ای مفهوم "شهر"

از آن جایی که شهر بستری است جهت تحقق و پیاده سازی کارکردهای فردی و اجتماعی؛ مطالعه در خصوص شهرها از ابعاد کمی و کیفی همواره مورد توجه پژوهشگرانی از علوم مختلف بوده است چرا که متخصصان بیشتر علوم خود را نسبت به شهری در آن ارتزاق می نمایند و در آن رشد و نمو نموده اند، مسئول می دانند و ضمن ارائه ی درک و تصور خود از این کالبد پیچیده و پر رمز و راز؛ در پی گشودن مشکلی از مشکلات بی شمار شهری بوده اند. اما شاید عدم توجه و یا کم توجهی هر یک از متخصصان صاحب نظر در این زمینه؛ به نتایج دیگر پژوهش های صورت گرفته در علوم دیگر که بیان گر نگاه ها و برداشت های گوناگون از این کالبد یکسان و واحد بوده است، امکان شکل گیری درکی یکسان و نزدیک به هم را بسیار دشوار کرده است و از سالیانی دور شهرهای بی جان در معرض تعاریف و قضاوت های بسیار متفاوتی قرار گرفته اند. این در حالیست که دست یابی علوم مختلف به تعاریف و مفاهیمی نو از شهر نه تنها به معنای برداشت و درکی اشتباه نیست، بلکه برعکس بیان گر این است که هر یک از علوم با دقت نظر بالا و عدم دنباله رویی کورکورانه از تعاریف پیشین شهر را تنها با توجه به باورها و ایدئولوژی های علم خود سنجیده است که این امر بسیار مورد توجه این مقاله بوده است چرا که توجه به این مساله که بر اساس مشاهدات خیلی مورد التفات و استقبال کارشناسان امور شهری قرار نگرفته است، می تواند بیان دارد که شهر حقیقتا یک مفهوم "میان رشته ای" می باشد و یک فرصت بسیار مناسبی را فراهم می آورد تا کارشناسان و سازندگان شهرها، شهرهایی تک بعدی که صرفا نیاز و خواسته ی گروه اندکی در آن لحاظ شده است را طراحی نمایند. در واقع با توجه به ماهیت میان رشته ای شهر، به نوعی حقوق تمامی گروه های ساکن و بهره بردار از شهر تامین می شود؛ چرا که بدیهیست دیدگاه علمی مانند اقتصاد که در پی بازشناسی و تقویت کارکردهای اقتصادی شهر می باشد با نگاه علم جامعه شناسی فرایندهای گسترده ی اجتماعی و تاثیر آن ها بر شهر را مورد بررسی قرار می دهد متفاوت است همچنان که یا شاعرانی که با مقایسه ی مکرر شهر و روستا در اشعارشان و بیان معضلات شهری به نوعی خواستار توجه به بعد دیگری از شهر بوده اند با نگاه علم عمران که در عمل مشاهده می شود نقش و اهمیت انسان در تصمیم گیری های این علم خیلی موثر نیست بسیار متفاوت است و... بنابراین آنچه مهم و توجه به آن ضروری می نماید این است که کارشناسان امور شهری در تصمیم گیری های خود مجموعه ی کاملی از این دیدگاه ها و نظرات را مورد توجه قرار دهند چرا که توجه به این امر می تواند به عنوان یک "تعدیل گر قوی" از نگاه و توجه یک سویه به یک یا تنها چند بعد به شهر خودداری نماید و بسیاری از مسائلی را که امروزه جوامع شهری و ساکنان آن به همین دلیل به دوش می کشند، حل نمایند.

۴. شهر از دیدگاه علوم مختلف

"شهر به عنوان کانون همه ی جاذبه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مکانی است که انسان را از بربریت به اوج تمدن رسانیده و آگاهی های او را جلال و شکوه بخشیده است. شهر به مثابه ی نخستین شکل تمدن در مرکز تقدس، قدرت و ثروت،

همواره مفهومی آرمانی و مقدس را به همراه داشته است. شهر کانون همه میراث های فرهنگی و عواطف و احساس بشری است" (نظریان، ۱۳۹۲، ۲۱). چنین شهری نمودی از بنیان های جغرافیایی، نیروهای اجتماعی، انباشت سرمایه و مازاد اقتصادی ناشی از بهره برداری ها از امکانات و منابع طبیعی است که دائما تحت تاثیر دگرگونی آراء، اندیشه های اجتماعی، پیشرفت های علمی، فلسفه ی سیاسی، اقتصاد توسعه و مبانی جامعه شناختی اشکال متفاوتی پیدا کرده و تحت تاثیر مکانیزم های مختلف چهره و مورفولوژی خود را عوض می کنند. و مهم تر از همه تحت تاثیر نیروهای فوق جایگاه و موقعیت خود را در درون یک سیستم و نظم فضایی، تغییر، تثبیت یا تعدیل می کند (نظریان، ۱۳۹۲، ۲۲). "بنا بر گفته ی دیموند شهرها کامل ترین اشکال ممکن آبادی انسانی اند. آن ها همچون مشعلی فروزان انوار خود را فرا راه انسانیت و تمدن پاشیده اند. آن ها همچون موج شکن بر پهنه ی گیتی ایستاده، اموج تعدی را در هم شکسته و بدین ترتیب به حیطة ی امنیت بدل گردیده اند. آن ها آدمی را در وصول به نقطه ی اعتلای فرهنگ یاری رسانده اند و آن ها در پناه دیوارهای خود محیطی مناسب را برای پرورش اصیل ترین دستاوردهای علمی و هنری فراهم آورده اند. آن ها میدان اوردی بوده اند که به پیروزی آزادی انسان انجامیده است" (پاراحمدی، ۱۳۷۸، ۱۴). حال از آن جایی که "شهر واقعیت پیچیده ای است و شاید به تعبیری، پیچیده ترین محصول بشر باشد و نمی توان با استفاده از دیدگاهی صرف همه ی پیچیدگی های آن را درک کرد" (شارع پور، ۱۳۸۹، ۳). لازم است مفهوم شهر از دیدگاه های گوناگون بررسی شده و هر یک از متخصصان از نگاه علمی خود به تعریف و شناخت ابعاد آن پرداخته اند و از آنجا افرادی که تعاریفی از شهر ارائه داده اند دارای تخصص ها و نگرش های گوناگونی بوده اند، کماکان دست یابی به تعریفی جامع و مانع مشکل است؛ اگر چه می توان دیدگاه و نظر هر یکی از علوم را نسبت به این پدیده ی با اهمیت جویا شد؛ بدین خاطر که ماهیت شهر همیشه پر از رمز و راز و چند گونگی بوده است. چرا که تنها سازندگان و طراحان شهر به معرفی و بیان شهر و ویژگی های آن پرداخته اند. شاعر و معمار و جغرافی دان و جامعه شناس و مدیر شهری؛ همه و همه به ارائه ی تعاریفی از شهر، از دریچه ی ذهن خویش پرداخته و در تعاریف و نگاه هایشان گاهی به تحسین و گاهی به نقد شهر پرداخته اند. به همین خاطر تفاوت های موجود در تعاریف ارائه شده از شهر، همیشه بیشتر از مشابهت ها و هماهنگی ها بوده است. به همین سبب است که گاهی شاعر از پلیدی ها و پلشتی های شهر ناله ها سر می دهد و در همان حال جغرافیا آن را عرصه ی تحرک و سرزندگی معرفی می کند و.... در ادامه سعی شده است جهت آشنایی با دیدگاه های گوناگون، گوشه ای از تفکرات علوم مختلف نسبت به شهر بیان گردد.

- شهر از دیدگاه علم جغرافیا:

جغرافیا را چهار راه علوم گفته اند و شهر پلیس این چهار راه است. در چشم انداز جغرافیا شهر به عنوان ترکیبی فضایی از جمعیت ها و اشکال مختلف تعریف شده (گراف می یر، ژرف به نقل از ربانی، ۱۳۸۱، ۷). به عبارتی علم جغرافیا از طریق تفکر و کاربرد، جهان ما را شکل می دهد و جغرافیدان به منزله ی متخصص محیط جغرافیایی، راهگشا، برنامه ریز، هدایت گر، کشتیبان، مشاهده گر، آموزش دهنده، منتقد و بالاخره زندگی بخش به مکان ها می باشد (شکویی، ۱۳۸۹، ۲۰). جغرافیا از جمله علمی است که شهر را به عنوان محیط و چشم اندازی انسانی در کانون مطالعات خود دارد. از آنجا که شهر مکانی پر از تشابهات و تفاوت ها از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و در بستری زمینی واقع شده است، موضوعیت جغرافیایی دارد. دانش جغرافیا به مطالعه روابط و تاثیر متقابل متغیر های انسانی با متغیر های فضایی می پردازد. معماران و شهرسازان، بیشتر به برنامه ریزی فیزیکی شهر می اندیشند. اما جغرافی دانان علاوه بر برنامه ریزی فیزیکی به برنامه ریزی های اجتماعی- اقتصادی شهرها نیز اندیشه می کنند. پس برنامه ریزی شهری قبل از هر رشته ی علمی دیگر با دانش جغرافیا همراهی دارد. زیرا جغرافی دانان با منابع و ظرفیت های محیط طبیعی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ی شهری، بیش از معماران آشنایی دارند. موضوع اصلی در برنامه ریزی شهری، ایجاد توازن و هماهنگی بین کارکرد های گوناگون شهری در حال و آینده می باشد. از این رو برنامه ریزان شهری باید به یک معرفت و شناخت کلی از شرایط جغرافیایی و ساختار فضایی شهر به دست آورند. بدین سان که چون اجتماعات شهری، دارای یک نظام متشکل از عناصر بهم پیوسته می باشد، لذا بر هر برنامه ریز شهری لازم است که در قلمروهای اقتصاد سیاسی، فلسفه های سیاسی معاصر، عدالت اجتماعی، نظریه های اجتماعی،

بدانسان که در جغرافیای نو مطرح است آگاهی کافی کسب کند. شاید جغرافیا و برنامه ریزی دست در دست هم، بتوانند از این راه فضای زندگی سالمی برای شهروندان تامین کنند (شکویی، ۱۳۹۰، ۲۷۸-۱۷۹). چرا که جغرافیای شهری بر ابعاد فضایی پدیده های که در بطن جغرافیایی شهر شکل می گیرند، می نگرند و هر گونه پراکنش و ساختار را با همه فرایندها در گستره فضای شهری بررسی می کند. شهر در گستره فضای جغرافیایی در راستای تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی معین با اندام^۱ و وزن^۲ و کارکرد^۳ جغرافیایی ویژه های شکل می گیرد و در واقع شهر سیستم متشکلی از داده های فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی و فرهنگی است که به حالت ترکیب و ارتباط با هم مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد (فرید، ۱۳۷۹، ۲۸۸). بنابراین می توان گفت: "برای جغرافی دانان شهر فضای پویایی، رفت و آمد و حرکت انسان هاست و این فضا بایستی خود را با تکنیک های دوران معاصر و وسایل نقلیه سازگار کند" (خمر، ۱۳۸۸، ۶۲).. با این همه شهر اجتماعی است با تعداد و تراکم معین و مناسب جمعیت با بافت و ساختار کالبدی یکپارچه و به هم پیوسته اعم از محلات، کوی ها و یا مناطق مسکونی، فضای فرهنگی، بازرگانی، تولیدی، اداری، ارتباطی، کشاورزی و نظایر آن ها که اکثریت ساکنان شاغل در آن در مشاغل غیر کشاورزی به کار اشتغال داشته و بر اثر تمرکز تولید و خدمات فرامحلی، کانون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اداری، مواصلاتی و مرکز مبادلات اقتصادی و تامین نیازهای حوزه ی جذب و نفوذ پیرامون نیز می باشد (مومنی، ۱۳۶۶، ۴). بنابراین بستر و پایه شهر بر جغرافیا بنا نهاده شده است و دگرگونی های ساکنان شهر با طبیعت باعث شکل گیری فضای شهری شده که خود مقوله ای جغرافیایی است.

- شهر از دیدگاه علم جامعه شناسی

جامعه شناسی شهری با برخی از حوزه های جامعه شناسی دارای اشتراکاتی است و به مباحثی چون: قشربندی اجتماعی، گروه های کوچک، سازمان های رسمی، خانواده، توسعه ی اقتصادی، جامعه شناسی سیاسی و حتی جامعه شناسی روستایی می پردازد. به همین جهت جامعه شناسی شهری در مباحث خود با علوم دیگر نیز مانند انسان شناسی، اقتصاد، جغرافیا، تاریخ، علوم سیاسی، و اقتصاد سیاسی تداخل می یابد. و مشکل جامعه شناسی شهری این است که قلمرو آن به طور بالقوه بسیار گسترده و در امور معماری، ترافیک، تجربه ی زندگی شهری، رفتار جامعه، مسکن، برنامه ریزی و غیره است. همچنین در جامعه شناسی شهری نه فقط پدیده هایی که در شهر اتفاق می افتد بلکه پدیده هایی که مربوط به شهر هستند (خواه در شهر روی دهند و خواه خارج از آن) مورد مطالعه قرار می گیرند. گاهی اوقات لازم است که از فضای شهری بیرون رفت تا بتوان به ریشه ی بسیاری از پدیده های آن دست یافت (شارع پور، ۱۳۸۹، ۳-۴). بنابراین اگر برای جامعه شناسی، مساله ی اساسی، مطالعه ی کنش های اجتماعی افراد در فضاهای مختلف می باشد؛ شهر مکان این کنش ها در ابعاد مختلف برای گروه های اجتماعی است (و بر به نقل از ربانی، ۱۳۸۱، ۶). چرا که جامعه شناسی شهری درک خوبی از فرایندهای گسترده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نیز ناموزونی ها و تاثیر آن ها بر افراد و اجتماعات محلی را برای ما فراهم ساخته است (دیکنز، ۱۳۷۷، ۱۰). جامعه شناسی شهری درباره ی برخورد و تماس زندگی شهری در اعمال اجتماعی، روابط اجتماعی، نهاد های اجتماعی و هر نوع ساخت اجتماعی که بر پایه ی اشکال شهری زندگی متکی باشد، بحث می کند. این برخورد و تماس فوق العاده قابل ملاحظه است. زیرا بدون شهرها، انسان در حالت های ابتدایی حیات اجتماعی خود متوقف می شد. جامعه ی شهری مطالعه ی ویژه ای است از تاثیر فوق العاده انسان بر محیط طبیعی و ایجاد محیط های مصنوعی که عمده ترین آن ها شهر ها می باشند. تنوع عظیم زندگی شهری شاهد کافی است که الگوهای شهرها به عامل انسانی و دیگر عوامل تعیین کننده ی بسیاری مربوط است (ادیبی، ۱۳۵۵، ۱۷-۱۸). جامعه شناس بر عملکرد شهر و سازمان ها و تغییرات اجتماعی آن توجه دارد. چرا که شهر به عنوان موضوع اجتماعی خاص در راهبرد سازمان های اجتماعی- سیاسی و اجتماعی- اقتصادی حاکم بر شهر نقشی دارد و جامعه ی شهری متأثر از چنین سازمان هایی مورد مطالعه جامعه شناس است. قدرت شهر در تمام ادوار تاریخی

^۱ - Taille

^۲ - Poids

^۳ - function

ناشی از درون شهر نیست و چه بسا که این نیرو و توان را برون از محدوده و مرز خویش کسب می کند. شهر برای جامعه شناس هدف و غایت نیست بلکه اهرم و آلتی است ممتاز و مشخص در جهت انجام مطالعات وسیع اجتماعی (فرید، ۱۳۹۱، ۲۸). به عبارتی شهر بستر مطالعه پدیده ها و آزمایشگاه جامعه شناسی است (ربانی، ۱۳۸۱، ۶). بی تردید شهرها و تمام متعلقات مربوط به آن ها اعم از شهروندان و ساخت و سازهای شهری در این تعریف مستتر می باشند که باعث شکل گیری ارتباط تنگاتنگ بین جامعه شناسی و شهر می شود.

- شهر از دیدگاه علم معماری:

"اولین تعریف معماری متعلق به جان راسکین می باشد که معماری را هنر افراشتن و آراستن بنا توسط انسان دانسته است" (اکرمی، ۱۳۸۲، ۳۵). "معماری ترکیبی از خواستن و ساختن است. معماری می تواند ملهم از عرفان جاری و ساری در زندگی و یا ملهم از "انسان فعال مایشاء" در جهان خاکی باشد. معماری می تواند تجلی ماورا طبیعت در طبیعت بوده و سرچشمه ای در بیرون از معمار داشته باشد. و یا تجلی یقین انسانی در عملکردهای مادی بوده و سرچشمه ای درون معمار داشته باشد. معماری می تواند حقایق را در واقعیت ها و عملکردها متجلی کند و یا با به حضور خود طلبیدن و نمایاندن پدیده ها را باز نمود کند" (تقوایی، ۱۳۸۹، ۷۶). شاید معنا و مفهوم شهر حاصل سبک ها و اشکال معماری شناخته شود که رویکردی متعارف در مطالعه ی شهر به منزله ی یک متن است و تاریخ آن به زمان لویییز مامفورد در دهه ی ۱۹۳۰ بر می گردد. او شکل ساخته شده (ساختمان ها و معماری) را گواهی بر ارزش های فرهنگی سازندگان آن ها می دانست و بیشتر به معنای مستتر در ساخت آن ها توجه داشت تا تفسیر به روز آن ها (ساوج و وارد، ۱۳۸۰، ۱۷۲-۱۷۳). و هدف نهایی این طراحی رسیدن به فرم است. به عبارتی یک طراح در برخورد با یک مساله یا موضوع طراحی، پاسخ آن را در فرم متناسب جست و جو می کند و در پی طراحی فرم درست و مناسب برای آن مساله است. این درست بودن فرم را الکساندر در سازگار بودن آن با زمینه ای که قرار است در آن ساخته شود و در عین حال برای آن طراحی شده است می داند. به عبارتی کار طراحی تلاش برای رسیدن به سازگاری میان فرم و زمینه ی آن است (الکساندر، ۱۳۹۰، ۱۱). چرا که معماری هنر نیکو ساختن و زیبا سازی ساخت ها با بهترین شکل استقرار آن ها در فضای معین شهری است. کاربرد این هنر از سویی ارتباط بنا ها را چه از لحاظ انتخاب مواد و چه از جهات سبک معماری و زیباسازی احتمالی آن با منابع تکنیکی تمدن های ناظر با عالی ترین شکلی تضمین می کند و از دیگر سو گزینش فیزیکی مکان، ساخت و بهره گیری منطقی از داده های محیط را که اصولا باید متناسب با ارزش های سمبلیک ناحیه باشد برای انسان های شهر نشین به گونه ای میسر می سازد تا غنای خاصی بر معنویت و جهان بینی آنان داده شود. اوج اندیشه در معماری شهری می تواند تا جایی پیش رود که حتی برای مردم عادی قابل فهم نباشد (فرید، ۱۳۹۱، ۱۳-۱۵). انواع بناها و اشکال معماری بیان گر معانی و ارزش های گوناگون و بسیاری است. هر شهری صرفا حاصل چشم انداز جهانی یک دوره ی تاریخی نیست بلکه گواه و سندی عینی از فرایندهای سیاسی و تضاد اجتماعی است که قدرتمندان به واسطه ی آن ها نشان خود را بر شهرها نهاده اند. در هر صورت رویکرد مبتنی بر معماری برای هدف گسترده تر تبیین معنا و مفهوم شهر کافی نیست. در این مورد دلایل بسیاری وجود دارد: اول این که گرایش به مزیت بخشیدن به آثار معماری محل هایی خاص و ساخت آن ها هر چند در چهارچوب خود قابل ستایش است، باعث می شود عرصه های عادی و معمولی تر و دارای جاذبه ی کمتر به فراموشی سپرده شود. دوم این که در این شیوه روشی که بر اساس آن مردم خود معنا و مفهوم محیط فیزیکی و ساختمانی را درک و تفسیر می کنند، نادیده گرفته می شود (ساوج و وارد، ۱۳۸۰، ۱۷۹). بنابراین می توان گفت تحلیل مبتنی بر معماری از نگاه و دید عموم مردم و معماران و کارشناسان این حوزه ممکن است تفاوت های صوری و محتوایی بسیاری داشته باشد و یا برعکس علم و آگاهی های مردم و معماران تا حد زیادی مشترک و نزدیک به هم باشد که در حالت اول می تواند دلایلی چون پیشرفت و سرعت چشم گیر علم معماری و کارشناسان این حوزه و عدم توان و یا عدم لزوم حرکت همزمان مردم با این پیشرفت ها باشد که نتیجه ی آن سبب می شود عموم مردم ضمن استفاده و بهره مندی از به کارگیری آخرین دستاوردهای علم معماری در بنا و ساختی مشخص، امکان برقراری ارتباط عاطفی و روحی ضعیفی در آن ها ایجاد گردد. در حالت دوم نیز بیان گر شکل گرفتن هیبت خاصی از بنا از

درون فرهنگ و هویت مردم باشد؛ مانند طراحی کوچه های تنگ و باریکی که به کوچه های آشتی کنان معروف بوده اند و باعث می شدند افرادی که با هم کدروت دارند در صورت عبور از کنار هم با یکدیگر برخورد داشته و یا ساخت درب های ورودی کوتاه بیان گر ارزش های حاکم بر آن زمان بوده و نوعی احترام و فروتنی و تواضع به هنگام ورود به منزل را سبب می گشت و یا آشپزخانه هایی که در نقطه ای بنا می شد که زنان در معرض دید میهمانان قرار نگیرند و مواردی از این دست همگی حکایت از برآمدن اصول معماری زمان از دل فرهنگ و باورهای مردم دارد و علاوه بر این مورد توافق و درک مشترک میان مردم و معماران می تواند به دلیل اهمیت و ارزش فرا محلی و مطرح بودن بنایی خاص یا سبک و سیاق و هویت شناخته شده ای از طراحی و معماری باشد، مانند بناهایی چون: سی و سه پل، برج ایفل، مسجد تاج محل و....

- شهر از دیدگاه علم شهرسازی و مدیریت شهری

مسائل شهرسازی و تصمیمات مدیران شهری از مهم ترین و پیچیده ترین فرایندهای شهری محسوب می شود. ضوابط و مقررات شهرسازی دارای ابعاد حقوقی و همچنین ابعاد شهرسازی است. از این رو تاکید بر این است که شهر باید کنترل (تنظیم) شود. چون زندگی شهری با هرج و مرج و بدون ساز و کارهای حقوقی و شهرسازی رو به اجراء، رو به انحطاط خواهد رفت و قادر به رفع تضاد منافع و تامین نیازها نخواهد بود. حقوق در کنار برنامه ریزی و طراحی محیط (شهرسازی) دو عرصه ی مکمل یک جامعه در انتظام بخشی محتوا و کالبد جامعه ی شهری به شمار می روند. در صورتی که نقش آن ها به خوبی درک و به منظور انجام اهداف و آرمان های جامعه ی شهری به کار گرفته شوند می توان انتظام کامل و یکپارچه محیط های انسان ساخت را به عنوان سنتز و محصول مشترک آن دو عرصه انتظار داشت (صالحی، ۱۳۸۵، ۵۵). چرا که شهرسازی بیش از رشته های دیگر فنی- هنری، با جامعه و مسائل اجتماعی گره خورده است (پاکزاد، ۱۳۹۰، ۱). در این زمینه دریک^۱ سیاست شهری را به عنوان علم مدیریت شهری تعریف می کند که در آن فعالیت های مهندسی مثل راه و ساختمان بیشتر از همه مورد توجه قرار می گیرد. چرا که طرح های شهری و شکل دهی شهری را در هر دوره اجرا می کند. کوین^۲ نیز سیاست شهری را به عنوان پدیده ی اسکان در شهر و ویرث^۳ آن را شیوه ی زندگی در شهر تعریف می کند (ربانی، ۱۳۸۱، ۱۱). همچنین "بر اساس تعریفی که اوئیس کیبل ارائه داده است، شهرسازی هم علم است و هم هنر (رحیمی، ۱۳۸۹، ۱۴۶ - ۱۴۷). کارشناسان شهرسازی در ساخت شهرها پیش از هر چیز به شبکه ی ارتباطی شهر توجه دارند: کوچه ها، خیابان ها، خطوط آهن، کانال های آبی، فاضلاب شهری، خطوط تلفنی و غیره به ویژه شکل شهر گرایبی به گونه های خطی و طولی، ستاره ای، تک هسته ای، و یا چند هسته ای... و شکل توسعه ی آن بر روال لکه ی روغنی و یا بافت تسبیحی... از اشتغالات ذهنی شهرسازان است. در واقع شهرسازی متضمن ارائه ی الگوهایبسیست که به تناسب ویژگی های جغرافیایی هر شهر ارائه می شود و تحلیل و بیان مورفولوژی شهری مهم ترین وظیفه ی برنامه ریزان شهری است و با آن که شهرساز در پیاده کردن طرح های خود از تکنیک های غنی سود می جویند با وجود این خود را از نتایج تحقیقات باستان شناسان و جغرافی دانان بی نیاز نمی داند. مسائل مهمی که شهرسازان در محدوده ی جغرافیایی شهر با آن رو به رو هستند به طور خلاصه شامل: رفت و آمد و ارتباط شهری، بهداشت و رفاه شهری، مسائل اقتصادی و اجتماعی شهر، زیبایی شهر (فرید، ۱۳۹۱، ۲۲-۱۵). به عبارتی کلیه ی اقدامات و مداخلات به طور مستقیم بر کم و کیف فضاهای شهری تاثیر گذار است. این اقدامات و مداخلات تا حدودی مبتنی بر طرز نگرش و تفکر برنامه ریز و طراح شهری است که در به فعلیت در آوردن قابلیت های بالقوه ی فضای شهری بسیار نقش دارند (مقصودی، ۱۳۹۳، ۵۳).

- شهر از دیدگاه علم روانشناسی محیطی

^۱ - Derycke

^۲ - Queen

^۳ - Wieth

دانش روانشناسی محیطی، علم تجربی _ اکتسابی مطالعه در روابط انسان _ محیط است که با گردآوری دانش هایی از حوزه های مختلف در یک زمینه روانشناختی، به مطالعه روابط، رفتارها و تجارب انسانی در محیط می پردازد. روانشناسی محیطی به عنوان یک زمینه بین رشته ای شامل دانش هایی چون انسان شناسی، جامعه شناسی و حتی علوم سیاسی و اقتصاد می باشد. به این دلیل است که تعدادی از پژوهش گران، مطالعه انسان در محیط را در قالب الگوی «مطالعه محیط - رفتار» بیشتر ترجیح می دهند. حوزه ی مطالعات محیط _ رفتار بر مبنای دو دسته ملاحظات مکمل پی ریزی گردیده است: دسته نخست، نظام های حرفه ای طراحی محیط انسان ساخت نظیر معماری، طراحی شهری و برنامه ریزی شهری و دسته دوم، علوم رفتاری و اجتماعی _ فرهنگی (ناری قمی و قره بگلو، ۱۳۹۴، ۲۰). از دیدگاه روانکاوان این شهرها با جنبه های سمبولیکی جایگاه رویاها و اوهام جامعه ی شهری شمرده می شد و بر این اساس آگاهی از فضا و آهنگ معماری آن و کلیه ی عوامل سازنده و تشکیل دهنده ی ساختارهای مکانی شهر فرصت می داد تا نشانه ها و علائم سمبولیکی شهر را در این مجموعه پی جویی کرد. در شناخت روان کاوانه ی شهر اصولی جاری است که در بیان و تحلیل روانکاوانه ی شهر به کار گرفته می شود. منتهی دست یابی بر این اصول زمانی میسر است که شهر ساخته و پرداخته ی معماری یکدست و یکنواخت و هماهنگ باشد و الا جز بخشی در آن در معرض شناخت سمبولیکی قرار نمی گیرد (فرید، ۱۳۹۱، ۲۳-۲۲). افزودن بخشی با عنوان "چشم های خیابان" به برنامه ریزی و طراحی، فرصت هایی را برای مراقبت های نا محسوس از مکان های رها شده که ممکن است جرم و جنایت در آن ها رخ بدهد، پدید می آورد. مردم وقتی در معرض دید هستند و یا صدایشان شنیده می شود، احساس امنیت بیشتری دارند (Monahan، ۲۰۰۶: ۸۳). امروزه سعی بر این است که در ساخت و طراحی شهر به اصول و جنبه های روانکاوانه ی شهر و شهروندان توجه گردد و معیارهای ساخت و ساز و طراحی شهری بیشترین هماهنگی و انسجام را با روحیات، اخلاقیات، خواسته ها و امیال شهروندان داشته باشد.

- شهر از دیدگاه علم عمران:

نظام تصمیم گیری شهری نمی تواند کارگزار ناکارایی توسعه ی شهر و عنصری منفعل و غیر مسئول در قبال عدم تحقق طراحی مطلوب شهرها باشد. امروزه با گذشت چند دهه از تبیین نقش موثر طراحی شهری در بهبود شرایط زیستی شهرها و ارائه ی نظریات متعدد در این زمینه، بیشتر گروه های حرفه ای، سازمان ها و اتحادیه های توسعه ی شهری جهان در این ارتباط موضع گیری نموده و تلاش کرده اند تا جایگاه طراحی شهری را (اگر چه با تعابیر متفاوت) در اسناد حقوقی و الزام آور توسعه ی شهری تقویت نمایند (صفوی، ۱۳۹۰، ۲۵۶). با این حال در کشور های سرمایه داری غرب شهر برای دست اندرکاران عمران منشا اساسی تولید و منحصرا محل سود آوری اقتصادی است و در محدوده ی این فضا انجام کار ساختمانی و شهر سازی مهم ترین وسیله ی ممتاز همین سود آوری هاست. اضافه می کنیم در کنار همین عملیات ساختمانی و شهر سازی خرید و فروش زمین از بهره ور ترین معاملات ناموزون اقتصادی است و بی جهت نیست که بعد از جنگ جهانی دوم، چه در کشور های پیشرفته و یا جهان سوم گروهی بر اثر خاک بازی از این راه به ثروت باد آور می رسند و در بالای هرم اقتصادی شهر قرار می گیرند. بر این اساس در این دوره از عمران شهری، شهر و پیرامون آن بدریخت و بی قواره می شود و بافت شهر آن هماهنگی و انسجام لازم را از دست می دهد چرا که هدف ساخت جز سود آوری نیست (فرید، ۱۳۹۱، ۲۶-۲۵).

- شهر از دیدگاه علم تاریخ:

هشیاری نسبت به زمان و فضا از وجود مهم آگاهی انسان به شمار می رود. در این میان، زمان به دلیل سپری بودن و پیش رانده شدن مردم در گذار آن از پیچیدگی بیشتر نسبت به فضا برخوردار است (یاراحمدی، ۱۳۷۸، ۴۶). جغرافیا دانش پی بردن به روابط و وابستگی های بین عوامل محیطی با اشکال گوناگون زندگی بشر در بستر تاریخ است. مورخان با مساعدت علم جغرافی و موضوع های مورد مطالعه آن، همچون: وضعیت و موقعیت طبیعی زمین، مرزها و نوع راه ها و... که همه و همه از عوامل تاثیر گذار بر زندگی بشر

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه سوی الگوی اسلامی ایرانی؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

در طول زمان و در بستر تاریخ هستند، به بررسی تاریخ اقوام و ملت‌ها می‌پردازند و اهمیت یک منطقه را به لحاظ نظامی، اقتصادی، مذهبی و همانند این‌ها در طول تاریخ شناسایی می‌کنند (اله یاری و آهنگران، ۱۳۹۰، ۲۰۰). در عین حال باید در نظر داشت که فلسفه‌ی علم تاریخ جریانی تطبیقی و مقایسه‌ای است که شباهت و تفاوت‌های تاریخ با علوم دیگر را آشکار می‌کند (ملائی توانی، ۱۳۸۸، ۱۴۹). مورخان با توجه به هسته مجتمع اولیه شهری، شهر را به عنوان مرکز تکامل انسانی و زایش و تحول تمدن‌ها مطالعه می‌کنند و فراز و نشیب‌های تاریخی را که در زمان‌های مختلف در محدوده شهر اتفاق افتاده است مورد ارزیابی قرار می‌دهد، چراکه هسته اولیه شهری به کمال ساخت اجتماعی اشاره دارد که در طول زمان بر سینه شهر جا گرفته و به مقتضای حکومت‌ها، در پراکنش و اعمال قدرت سیاسی نقش بزرگ ایفا کرده است (وهر، ۱۳۷۰، ۵۵). مورخان در محدوده‌ی شهر به ویژه در هسته و مجتمع اولیه‌ی شهری تکامل جوامع انسانی و زایش و تحول تمدن‌ها را مطالعه می‌کنند و فراز و نشیب‌های تاریخی و حوادث بزرگ شهر را که در مراحل و زمان‌های مختلف در محدوده‌ی شهر اتفاق افتاده است مورد ارزیابی قرار می‌دهند، چرا که مجتمع اولیه‌ی شهری به کمال، ساخت اجتماعی دارد که در طول قرون و اعصار بر سینه‌ی شهر جا گرفته و به مقتضای رژیم‌های حاکم، در توزیع و اعمال قدرت سیاسی نقشی بزرگ ایفا کرده است. از دیدگاه مورخان شهر با ماهیت سیاسی متجلی است گاهی خود کفا است و در بسیاری حالات قیومیت قدرت مرکزی را به گردن دارد (فرید، ۱۳۹۱، ۲۷).

- شهر از دیدگاه علم اقتصاد

شهر، منطقه‌ای است که نسبت تولید و سایر عوامل تولید به زمین در آن بیشتر از نواحی همجوار است، به عبارت دیگر منطقه‌ی شهری، جایی است که فعالیت اقتصادی در آن تمرکز زیاد دارد. در این منطقه تراکم جمعیت و اشتغال بسیار بیشتر از مناطق پیرامون است. مزیت عمده این تمرکز نیز دست‌یابی به صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس است و هزینه عمده‌ی آن ضرورت حمل و نقل مواد به مناطق شهری و از مناطق شهری است البته با پیشرفت‌های فنی در دو قرن اخیر مزایای شهرنشینی افزایش یافته و از هزینه‌های آن کاسته شده است (میلز، همیلتون، ۱۳۷۵، ۴۴). به عبارت دیگر سهم عمده‌ی آن از ثروت و درآمد کشورها در شهرها ایجاد می‌شوند. شهرها از نظر اقتصادی شرایطی را فراهم می‌آورند که بهره‌وری کلی و جزئی عوامل تولید می‌توانند بالقوه افزایش یابند (عسگری، ۱۳۸۰، ۱۰). حیات شهری بستگی به فعالیت‌های اقتصادی کارخانه‌ها و موسسات زیربنایی دارد. در این جا اقتصاد عامل حیات بخش شهر بوده و شهروندان با فعالیت‌های تولیدی، خدماتی و تجاری به تولید و مبادله‌ی ثروت اقدام می‌نمایند و اساس شهر را بر پایه‌ی مالکیت و بازار قرار می‌دهند. در برخی از جوامع خصوصاً جوامع اسلامی بازار قلب اقتصادی شهر محسوب شده و ثبات و تعادل اقتصادی آن مبین اقتصاد پایدار شهر و پویایی آن می‌باشد. در ارتباط بین اقتصاد و شهر می‌توان به نگرش‌های ماکس و وبر اشاره نمود که بر دو عنصر تاکید می‌نماید: کیفیت پایدار موسسات و کارکرد شهر در مرکز بازار. به نظر او ریشه‌ی شهر در اقتصاد جدید غرب و سرمایه‌داری جای دارد. مارکسیست‌ها تاکید دارند که اساس ساخت شهر زیربنای اقتصادی است و رشد شهر نتیجه‌ی تقسیم کار می‌باشد. اسلام یک دین شهری است و شهر اسلامی مبتنی بر سه عنصر مذهب، اقتصاد (بازار) و سیاست است. در فضای شهر اسلامی این عناصر از لحاظ جغرافیایی در ارتباط متقابل و نزدیک به هم می‌باشند (ربانی، ۱۳۸۱، ۶-۷). در واقع یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی محل تولید در درون منطقه‌ی شهری این است که تا چه حد می‌توانیم مقادیر زیاد کار و سرمایه را به گونه‌ای که صرفه‌ی اقتصادی داشته باشد با مقادیر اندک زمین ترکیب کنیم (میلز و همیلتون، ۱۳۷۵، ۱۳۳-۱۳۴).

- شهر از دیدگاه علم بیولوژی:

زیست‌شناسی با حیات و زیستن سرو کار دارد و اساس زیست‌شناسی، قوانین فیزیک و شیمی است که با آن‌ها مکانیسم‌ها و فرایندهای زیستی را توجیه می‌کند. موجودات بسیاری در کره‌ی زمین زندگی می‌کنند؛ پس ایجاد زمینه‌های متنوع مطالعات زیستی دور از انتظار نیست (زارع مایوان، ۱۳۷۳، ۱۴). هر موجود زنده خاصه انسان نیازمندی‌های بیولوژیکی غیر قابل انکاری دارد

که تامین آن ها از قوانین دقیق و ظریف اما سخت حساس و موثری تبعیت می کند. درست است که ما برای رفع این نیازمندی ها بهایی را در قبال سخاوت طبیعت پیرامون خود می پردازیم یعنی کاری را انجام داده و تلاشی را به ثمر رسانده و یا نیروهایی را وقف می کنیم اما نباید بینگاریم که این سخاوت طبیعت بی انتهاست؛ بنابراین باید همه ی تلاش خود را وقف این امر کنیم که این سخاوت به انتهای خود نرسد. کره ی زمین شرایطی مساعد برای ظهور و دوام زندگی بر عرصه خود دارد. اما این زندگی باید که نظم و نسقی داشته باشد (ودبعی، ۱۳۵۴، ۷). ما به عنوان انسان جدید ترین تجربه تکامل طبیعت هستیم (میلر، ۱۳۸۲، ۳۶). زیست شناسان سعی در فهم مکانیسم های زندگی دارند چرا که زیست شناسی در واقع دانش زندگی است. برای زیست شناسان، چگونگی زندگی به همان گونه که در موجودات تک یاخته ای مطرح است در ارگانیسم پیچیده تر انسانی نیز مورد توجه می باشد. زیست شناسان در روشننگری عدم تغییر یا بازتاب های ارگانیسم های زنده تلاش می کنند و به خصیصه هایی که آن ها را از ماده ی بی جان و بی حرکت مشخص می دارد، نگاه ویژه دارند.

- شهر از دیدگاه علم سیبرنتیک:

سیبرنتیک، چند و چون فعل و انفعالات و تأثیر فنون و تکنولوژی پیشرفته از یک سو و ارتباط آن با انسان اجتماعی از سوی دیگر را تصویر می نماید و محقق را به سمت قوانین، هدایت می کند. سیبرنتیک در مورد جامعه و امور اجتماعی می گوید: انرژی و نظم و نظام از هیچ، به وجود نمی آید، بلکه منابع اساسی لایتناهی، این ها را در اختیار می گذارد؛ تا سیستم ها، از طریق نظارت درونی خود، از منابع بیرونی برخوردار گردند. اگر این منابع اساسی، فقط به درون سیستم اکتفا کند، سیستم بسته خواهد شد؛ زیرا از سازمان دهی بهره مند نیست و آنتروپی تغییر نکرده و در نتیجه دریافت انرژی و نظم، مختل خواهد شد (وینر، ۱۳۷۲، ۲۱). در واقع سیبرنتیک مبتنی بر این اندیشه است که تدوین یک برخورد عام با مساله بررسی و پژوهش فرایندهای کنترل در انواع گوناگون سیستم امکان پذیر است. اهمیت چنین اندیشه ای در این است که علاوه بر ملاحظات روش شناختی عام، برای شرح کمی فرایندهای مربوط به حال مسائل پیچیده ابزار توانمندی را عرضه می دارد. این ابزار به نوبه ی خود بر پایه ی روش های مربوط به نظریه ی اطلاعات، نظریه ی سیستم های پویا، نظریه الگوریتم ها و نظریه ی احتمال استوار است (لرنر، ۱۳۶۶، ۳۸). سیبرنتیک دانشی است که مکانیزم های ارتباطات و کنترل ماشین ها و حتی موجودات زنده را بررسی می کند. کارشناسان این نظام علمی که سهمی در روشننگری مسائل شهری دارند، سعی می کنند نظم حاکم بر ماشین های بی روح و مصنوعی را بر ارگانیسم جوشان شهری نیز تعمیم و تسری دهند، بنابراین دانش سیبرنتیک در واقع تحلیل سیستم ها و فهم ترکیب و تاثیر متقابل و اشکال تنظیم آن هاست. از نظر آن ها شهر حاصل و نتیجه ی غایی عملکرد گروه هاست. هیات اجتماعی نیازهایی در شهر دارد می خواهد در هوای آن استنشاق کند و آگاهی های ضروری را برای تدوین قوانین در اختیار بگیرد و بر این اساس به منظور ایجاد محدوده ی زندگی مناسب به مفهوم دیگر فضای معینی که به نام شهر نامیده می شود به حرکت در می آید و بدینسان شهر برای سیبرنتین ها وسیله ایست در جهت تحقق شرایط و اهداف آن ها و در جهت حصول این شرایط و امکانات است که برای تسلط و حاکمیت بر محیط زیست تاکید گرایش دارند و در همین راستا به گروه های حاکم فرصت می دهد که قدرت خود را بیازمایند و سطح ایده آل خوشبختی خود را تحقق بخشند (فرید، ۱۳۹۱، ۳۳-۳۲).

- شهر از دیدگاه علم و هنر شعر:

برای شاعران، شهر جایگاه وهم و خیال و هیجانانگیز و سراب فریبنده است که مروارید های درخشان را در جعبه ی جواهرات جدام گرفته پنهان می دارد و عدم و نیستی را با ظاهری زیبا و فریبا می پوشاند. تنفس و تهوع انسان ها بدون اراده و زندگی توده هاست و نا استوار انجام می گیرد در خانه های شطرنجی غول آسایی، آنجا که شاهدگان به بازی قمار سرگرمند ماکیاولیسم همراه انسان ها است. شهر شاعران جهانی از تباین و تغییر است و بی نهایت متنوع و متراکم از نوعی از زندگی، که مداوم رو به تازگی و تحول دارد. یکنواختی و پیش پا افتادگی آن چون کابوسی است برای شاعران و از رشد سرطانی و مرگ هسته ی آن فریاد ها است (فرید، ۱۳۹۱، ۳۴). یکی از مفهومی ترین رویکردهای شاعران به «شهر» اشاره به شهرهایی است که در گذر تاریخ از اهمیت خاصی برخوردار بوده

هفتمین کنفرانس اکومی اسلامی ایرانی؛ از اکومی پایه سوی اکومی اسلامی ایرانی؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

اند. هنگام بررسی آن، میزان تشخیص این نوع شهرها مشخص می شود. در این موارد شهر، مدرنیته، افسارگسیختگی آن و تمام قوانین جاری با آن با ذات و نهاد درون بشری منافات دارد و انسان در این شهرها فطرت، منش و پاکی و آزادی را با زنجیرها و اسیری ها عوض کرده است. گاهی برای این گونه موارد، گریز از شهر و پناه بردن به روستا چاره ی کار شده است. شاعران معاصر به این مسئله ی مهم و بنیادی رویکردهای مختلف و متفاوتی داشته اند.

۱- شاعران معاصر در بعضی مواقع، «روستا» را نماد پاکی، صمیمیت و انسان دوستی قرار داده، راه نجات انسان را از بحران شهری در پناه بردن به روستا تشخیص داده اند ۲- نمادهای شهر و بی رحمی مدرنیته ۳- سردرگمی انسان در شهر جهان معاصر؛ تعویض آزادی و یله گی انسان در برابر صنعت که چون مانعی برای انسان است (سلیمانی و عالی عباس آباد، ۱۳۹۴، ۳۴۰-۳۳۵). به طور کلی شاعران معاصر شهر را از چهار منظر بررسی می کنند:

الف) شهر از نظر ساختار ظاهری؛ ب) بیان تجربه ی زندگی در شهر؛ ج) جدالی که تجربه ی زندگی شهری در درون شاعر برمی انگیزد؛ چراکه باعث می شود شاعر همواره در درون خود، خواسته یا ناخواسته، به مقایسه ی شهر و روستا بپردازد؛ د) نگاه به شهر تحت تأثیر مسائل سیاسی (اسماعیل، ۱۹۶۶، ۳۲۹، به نقل از سیاوشی و شبستری، ۱۳۹۲، ۲۴). در مجموع دوران معاصر با ظهور و فزونی یافتن مظاهر مدنیت و شهرنشینی جدید، دگرگونی های بنیاد تولید، گسترش و دگرگونی روزافزون دانش، هنر، ادبیات، فلسفه و ... و با شعله ور گشتن آتش جنگ های خانمان برانداز در سراسر جهان هم زمان شده است؛ از این رو سروده های بیشتر شاعران معاصر در سراسر جهان به گونه ای روایت درد، رنج و ناتوانی انسان امروز از رویارویی با حقیقت دگرگون گشته طبیعت، زندگی و هموعان خویش است. نمود های آشکار این اظهار اندوه می تواند شامل مواردی چون: نابودی مناظر طبیعی و آلاینش پاکی و سادگی نخستین و احساس غربت و تنهایی، سکوت و سکون انسان در شهر (حیدریان شهری، ۱۳۹۱، ۴۳). همچنین توده ی مردمی که لزوما در زمره ی شیفتگان هنر نیستند نیز عموماً هجوم همه جانبه ی ساختمان ها و شهرهای مدرن را به عنوان جزئی گریز ناپذیر (اگر نگوییم غم انگیز) از این حقیقت بزرگ تر می دانند که جهان رو به تباهی است (الکساندر، ۱۳۹۰، ۲۴).

- شهر از دیدگاه علم سیاست:

"سیاست یعنی جوهر حاکمیت، فرمانروایی و اعمال قدرت. همواره بین سیاست و فضا رابطه وجود دارد، سیاست به واسطه حمایت ایدئولوژی و به وسیله نهادهای تصمیم ساز و مجری تصمیم، بر فضا که متشکل از جامعه ی انسانی، شبکه ها، جریان ها، ساخت ها و ... می باشد تأثیر می گذارد و از آن تأثیر می پذیرد" (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۱۲). از نظر جغرافیای سیاسی می توان گفت که در قلمروی جغرافیای یونان باستان هر شهری یک کشور به شمار رفته و دارای دولتی مستقل ویژه خود و هر کدام از این دولت-شهر ها دارای یک حکومت بوده است (امینیان، ۱۳۹۱، ۶). بنابراین، تمامی واژه هایی که برای بیان شهر در زبان های گوناگون به کار گرفته می شود، به نوعی بر نظم، مدنیت، حکومت و برتری یک طبقه یا قشر اجتماعی تأکید دارد و از این منظر است که برخی اندیشمندان سیاست را علم شهر ها نیز نامیده اند (عالم، ۱۳۷۸، ۲۴). "کمک جغرافیادانان سیاسی به پیشبرد مطالعات علوم اجتماعی، به ویژه رشته های علوم سیاسی و روابط بین الملل، از دو جهت قابل توجه است: یکی با بررسی تأثیرات عوامل متغیر فضایی؛ نظیر مکان، موقعیت، چهره ی زمین، فرهنگ و شیوه های فرهنگی ادراک و تصمیم گیری بر استقرار حکومت ها و روابط میان آن ها و دیگری بررسی نحوه ی اثر گذاری عوامل سیاسی، نظیر قدرت، قلمرو خواهی، ترس و درگیری، بر محیط زیست و چشم انداز جغرافیایی" (میرحیدر، ۱۳۸۹، ۳). به هر حال گذشته از این که شهر چه در مفهوم و ریشه تاریخی اش، عجین با سیاست بوده است و با اینکه امروزه نسبت به گذشته (به ویژه در دوره باستان)، شهر ها چه از نظر ساخت، عناصر و کارکرد تغییر یافته اند ولی هنوز نقش سیاست به معنای اداره کردن امور همچنان پر رنگ است و در مدیریت سیاسی شهر متبلور شده است. نظامیان بر شهر به عنوان نقطه ی پیوستگاه راه ها و خطوط ارتباطی می نگرند. نقاط حساس این خطوط را که چون سلسله اعصابی در شهر گسترده شده است: ایستگاه، فرودگاه، کارخانجات به ویژه مراکز تولید برق و گاز و پل ها و مرکز رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما و غیره تشکیل می دهند که چه از راه زمینی و یا هوایی قابل نفوذ و آسیب پذیرند و بدیهیست که تسلط نظامی بر شهر ها با مسیر و کیفیت راه ها و

هفتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه سوی الگوی اسلامی ایرانی؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

میزان شکندگی این مراکز حساس ارتباطی در رابطه است (فرید، ۱۳۹۱، ۳۶). که طراحی مناسب و استفاده ی درست از محیط می تواند علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم، کیفیت زندگی را بهبود بخشیده و ترس از جرم را کاهش دهد (۴۶: Crowe, ۲۰۰۰).

جدول ۱- مهم ترین نظرات علوم مختلف در باب شهر، تعیین وجوه تشابه و تمایزات

علوم جامعه ی هدف	نکات اصلی	نکات منحصر به فرد (تمایز)	نکات مشابه بین علوم
جغرافیا	- مطالعه ی مکان در ارتباط با زندگی انسان - توجه بر ابعاد فضایی، پراکنش و ساختار پدیده های شهری	جغرافیا به منزله ی متخصص محیط جغرافیایی، نقش مهمی در ساماندهی به شهرها دارد.	
جامعه شناسی	- مطالعه ی کنش اجتماعی افراد در فضاهای شهری - مطالعه ی هر نوع برخورد و تماس در زندگی شهری که در قالب یکی از اشکال زندگی شهری مورد بررسی باشد	توجه به شهر به عنوان شهر بستر مطالعه پدیده ها و آزمایشگاه جامعه شناسی است	
معماری	- توجه به ساختمان ها و بناها، به صورتی که یا برگرفته از درون معمار است و یا سرچشمه ای از عالم ماورا طبیعت آن را پشتیبانی می نماید.	هدف نهایی معماری رسیدن به فرم متناسب است، فرمی که تناسب آن با میزان سازگاری با محیط سنجیده می شود	
شهرسازی و مدیریت شهری	- تاکید بر فعالیت های فیزیکی مانند راه، ساختمان و... -تلاش برای ترکیب مناسب اجزای مختلف شهر و توجه به گرایش های اقتصادی و اجتماعی موثر	تاکید بر قابلیت های دوگانه برای شهرسازی (علمی و هنری)	
روانشناسی محیطی	- مطالعه رفتارهای انسان در رابطه با سکونت گاه یا محیط کالبدی پیرامونش - بهره گیری از نشانه ها و علائم سمبولیکی شهر	- توجه به اصول و جنبه های روانکاوانه ی شهر و شهروندان در ساخت و طراحی شهر و معیارهای ساخت و ساز - هماهنگی و انسجام طراحی شهری با روحیات، اخلاقیات، خواسته ها و امیال شهروندان	
عمران	تاکید بر صنعتی شدن، نیاز به کمک دولت، تکنولوژی، تقویت نگرش انسان محوری	غالبا برای دست اندرکاران عمران، شهر منشا اساسی تولید و منحصرأ محل سود آوری اقتصادی است	
تاریخ	- شناسایی اهمیت یک منطقه را به لحاظ نظامی، اقتصادی، مذهبی و همانند این ها در طول تاریخ -تاکید بر ماهیت تطبیقی و مقایسه ای علم تاریخ که امکان بررسی شباهت ها و تفاوت ها در شهرهای گوناگون را فراهم می آورد	- مورخان با توجه به هسته مجتمع اولیه شهری، شهر را به عنوان مرکز تکامل انسانی و زایش و تحول تمدن ها مطالعه می کنند و فراز و نشیب های تاریخی را که در زمان های مختلف در محدوده شهر اتفاق افتاده است مورد ارزیابی قرار می دهد	
اقتصاد	- توجه به شهر به عنوان منطقه ای که نسبت تولید و سایر عوامل تولید به زمین در آن بیشتر از نواحی همجوار و فعالیت اقتصادی در آن تمرکز زیاد دارد. - دست یابی به صرفه جویی های ناشی از مقیاس است و تاکید بر حمل و نقل مواد به مناطق شهری و از مناطق شهری است	- اقتصاد عامل حیات بخش شهر بوده و شهروندان با فعالیت های تولیدی، خدماتی و تجاری به تولید و مبادله ی ثروت اقدام می نمایند و اساس شهر را بر پایه ی مالکیت و بازار قرار می دهند.	
بیولوژی	- بررسی روابط موجودات با محیط (بوم شناسی یا اکولوژی)	توجه به سخاوت طبیعت و تاکید بر بی انتها بودن سخاوت طبیعت و تنظیم امور شهری متناسب با شرایط طبیعت	
سایبرنتیک	-تاکید و توجه بر تبادل ارتباطات و اطلاعات در فضای مجازی و غیر مجازی	- تلاش برای تعمیم و تسری نظم حاکم بر ماشین های بی روح و مصنوعی را بر ارگانیسم جوشان شهری	
علم و هنر شعر	- تاکید بسیار بر شهری با ویژگی های بی رحمی مدرنیته، افسارگسیختگی که تمام قوانین جاری با آن با ذات و نهاد درون بشری منافات دارد - نگاه به شهر و ساختمان های مدرن به عنوان جزئی گریزناپذیر.	- پیشنهاد به بازگشت دوباره ی بشر به روستا	
سیاست	-عجین بودن مفهوم و ریشه ی تاریخی شهر با سیاست - نگاه نظامیان بر شهر به عنوان نقطه ی پیوستگاه راه ها و خطوط ارتباطی	طراحی مناسب و استفاده درست از محیط منجر به پیشگیری از وقوع جرم، بهبود کیفیت زندگی و کاهش ترس از جرم میگردد	
اقتصاد سیاسی	- مطالعه ی رابطه میان سیاست و اقتصاد، با تاکید بر ابعاد سیاسی تصمیم گیری های اقتصادی و ابعاد اقتصادی تصمیم گیری های سیاسی - تحلیل ویژگی های ساختارهای نظام های اقتصادی -اجتماعی - پرداختن به علل پیدایش سکونتگاه های و توجه به ریشه ی مسائل	- جهانی شدن اقتصاد به عنوان ثمره اقتصاد سیاسی - توسعه ی بازارها در ماورای مرزهای ملی و گسترش بازار برای صدور کالا - تقسیم کار بین المللی	

ماخذ: نگارندگان

نتیجه گیری:

شهر کالبدی است که به نوعی تمام علوم و شاخه های بشری به نوعی درگیر با آن می باشند. حال سرچشمه ها و اصول و مبانی متفاوت در علوم سبب گردیده است تا مفاهیم و تعاریف متفاوتی از شهر در بین علوم مرتبط با شهر رایج گردد؛ چرا که هر علمی به فراخور پایه های علمی خود و از دریچه ی همان علم به شهر نگریده است. این مقاله در جست و جوی شناسایی این تعابیر در طیف گسترده ای از علوم و استخراج نکات کلیدی، تشابهات و تمایزات بین علوم بوده است. علوم مورد بررسی که از حوزه های مختلف به عنوان جامعه ی هدف انتخاب گردیدند؛ شامل علم جغرافیا، جامعه شناسی، معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، روانشناسی

- پذیرش بعدی فراکالبدی و محتوایی برای شهر - تاثیر متقابل انسان بر روی شهر و شهر بر روی انسان - تاکید ماهیت بومیایی و در حال گذار و تغییر شهر

هفتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

محیطی، عمران، تاریخ، اقتصاد، بیولوژی، سیبرنتیک، هنر شعر، سیاست، اقتصاد سیاسی بوده است. هدف فوق سبب گردید تا ضمن گردآوری مجموعه ای از این دیدگاه ها و جهت گیری های ویژه ی هر کدام از علوم نسبت به شهر تقسیم بندی های مختلفی در بین علوم مورد بررسی حاصل گردد. در حالت اول؛ در بین برخی علوم وجود نوعی ارتباط و تعبیر مشابه نسبت به شهر مشاهده گردید، که این امر تا حدی بیان گر زمینه های مشترک و همپوشانی موضوعی بین آن رشته ها بود؛ مانند معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، عمران و... و در حالت دوم نوعی تضاد و عدم درک مشابه بین برخی علوم نسبت به شهر مشاهده گردید که در سویی چهره ای منفور و بیگانه از شهر را به تصویر می کشید مانند شهر از دیدگاه شاعران و در سویی دیگر شهر مظهر پیشرفت و سعادت بشر معرفی می گردید؛ مانند شهر از دیدگاه علم جغرافیای شهری. و همچنین بر اساس تقسیم بندی دیگری؛ در دسته ای از علوم تاکید و توجه غالب بر روی جنبه های فیزیکی و کالبدی شهر بوده است مانند علوم عمران، معماری، سیبرنتیک، شهرسازی و... که این علوم بیشترین توجه خود را به جنبه های کالبدی و ظاهری شهر معطوف ساخته اند و در دسته ای دیگر از علوم توجه بر بعد محتوایی و فراکالبدی شهر بیش از بعد کالبدی آن بوده است مانند شهر از نگاه شاعران، جامعه شناسی شهری، روانشناسی محیطی و... در این دسته از علوم شهر هویتی فراکالبدی و مستقل از هویت کالبدی خویش دارد که این مساله در قالب توجه به مواردی چون: رابطه ی انسان با شهر، تأثیرات مثبت و منفی شهر بر روی انسان، بررسی میزان قوانین و مقررات شهری با ذات و روحیات انسان و... مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع:

- ۱- ادیبی، حسین، ۱۳۵۵، جامعه شناسی شهری، تهران، انتشارات شبگیر.
- ۲- اکرمی، غلامرضا، ۱۳۸۲، تعریف معماری، گام اول آموزش (چالش ها و تناقضات)، نشریه هنر های زیبا، شماره ۱۶، صفحات ۴۸-۳۳.
- ۳- الکساندر، کریستوفر، ۱۳۹۰، شهر درخت نیست، ترجمه: فرشاد، فرناز و گلرخ، شمین، تهران، آرمانشهر.
- ۴- اله باری، فریدون، آهنگران، امیر، ۱۳۹۰، جغرافیای تاریخی قفقاز از منظر مورخان و جغرافی دانان مسلمان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۶، شماره دوم، صفحات ۲۱۸-۱۹۹.
- ۵- امینیان، بهادر، ۱۳۹۱، بنیان های نظری جغرافیای سیاسی؛ با تاکید بر اسلام و ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- ایراندوست، کیومرث، ۱۳۹۱، درآمدی بر ماهیت میان رشته ای جغرافیای شهری و برنامه ریزی شهری، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۳، صفحات ۱-۱۴.
- ۷- باران، پل؛ داب، موریس؛ لانگه، اسکار؛ ۱۳۵۴، اقتصاد سیاسی توسعه یافتگی و رشد، ترجمه: نعمانی، فرهاد، تهران، امیر کبیر.
- ۸- پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۹۰، سیر اندیشه ها در شهرسازی (۳)، تهران، آرمان شهر.
- ۹- پوراحمد، احمد، ۱۳۹۲، قلمرو و فلسفه جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۰- تقوایی، ویدا، ۱۳۸۹، از چپستی تا تعریف معماری، نشریه هویت شهر، سال پنجم شماره ۷، صفحات ۸۶-۷۵.
- ۱۱- تودارو، مایکل، ۱۳۶۴، توسعه ی اقتصادی در جهان سوم، مترجم: فرجادی، غلامعلی، تهران، وزارت برنامه و بودجه.
- ۱۲- جهان بین، نیما، ۱۳۸۸، مفهوم ماهیت شهر و معرفی شاخص ها و معیارهای سنجش آن در دوران معاصر، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴، صفحات ۲۶-۱۵.
- ۱۳- حافظ نیا، محمد رضا، احمدی پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی، ۱۳۹۱، سیاست و فضا، چاپ چهارم، نشرپاپلی، مشهد.
- ۱۴- حسینی، سید علی، ۱۳۹۰، اصول و مبانی برنامه ریزی شهری و روستایی، چاپ اول، رشت، دریای دانش.
- ۱۵- حیدریان شهری، احمد رضا، ۱۳۹۱، بررسی تطبیقی شهر گریزی و بدوی گرای در شعر سهراب سپهری و عبدالمعطي حجازی، مجله زبان و ادبیات عربی، سال ششم، صفحات ۶۲-۳۹.
- ۱۶- خمر، غلامعلی، ۱۳۸۸، اصول و مبانی جغرافیای شهری، تهران، قومس.
- ۱۷- دادگر، یداله، ۱۳۸۴، تکثری بودن اقتصاد سیاسی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره ۱۵، صفحات ۲۴-۱.
- ۱۸- دیکنز، پیتر؛ جامعه شناسی شهری، ترجمه: بهروان، حسین، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۹- ربانی، رسول، ۱۳۸۱، جامعه شناسی شهری، تهران، سمت.
- ۲۰- ربانی، رسول و حبیبی، صدف؛ ۱۳۹۰، تحلیلی بر نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی، مطالعات شهری، سال اول، شماره اول، صفحات ۱۸-۱.
- ۲۱- رحیمی، حسین، ۱۳۸۹، درآمدی بر اصول و مبانی شهرسازی، تهران، پرهام نقش.
- ۲۲- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۹، روابط متقابل شهر و روستا، چاپ نهم، تهران، پیام نور.
- ۲۳- ریاضی، سید ابوالحسن، ۱۳۹۲، شهر؛ پدیده ای میان رشته ای، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۱، صفحات ۱۱۵-۱۰۱.
- ۲۴- زارع مایوان، حسن، ۱۳۷۳، زیست شناسی عمومی، تهران، سمت.
- ۲۵- ساوج، مایک؛ وارد، آلن، ۱۳۸۰، جامعه شناسی شهری، ترجمه: پوررضا، ابوالقاسم، تهران، سمت.
- ۲۶- سلیمانی، صدیقه؛ عالی عباس آباد، یوسف، ۱۳۹۴، ساختار و پیکره شهر در شعر معاصر، مدیریت شهری، شماره ۲۸، صفحات ۳۴۶-۳۳۳.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

- ۲۷- سیاوشی، صابره؛ شبستری، معصومه، ۱۳۹۲، مقایسه شهر و روستا در شهر قیصر امین پور و جودت فخر السادات، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۳، شماره ۲، صفحات ۴۱-۲۱.
- ۲۸- شارع پور، محمود، ۱۳۸۹، جامعه شناسی شهری، تهران، سمت.
- ۲۹- شکویی، حسین، ۱۳۸۹، اندیش های نو در فلسفه ی جغرافیا، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، گیتا شناسی.
- ۳۰- شکویی، حسین، ۱۳۹۰، فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی، چاپ هفتم، تهران، گیتا شناسی.
- ۳۱- صالحی، اسماعیل، ۱۳۸۵، نقش ظوابط و مقررات شهرسازی در تحقق شهر خوب و توسعه ی پایدار شهری مطالعه موردی: تهران، محیط شناسی، سال ۳۲، شماره ۴۰، صفحه ۵۱-۶۲.
- ۳۲- صفزاده عربی، سحر و محمد پروا، ۱۳۹۴، هویت شهری؛ تبیین ابعاد چندگانه و معیارهای شکل دهنده به آن، اولین همایش ملی توسعه پایدار شهری، تهران، گروه پژوهشی کیمیا
- ۳۳- صفوی، سید علی، ۱۳۹۰، بررسی جایگاه مدیریت عمران شهری در تحقق طراحی شهری مطلوب؛ برنامه های توسعه و عمران در تهران، مدیریت شهری، شماره ۲۸، صفحات ۲۷۲-۲۵۵.
- ۳۴- طاهرخانی، حبیب الله، ۱۳۸۱، طراحی شهری ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری، مدیریت شهری، شماره ۹، صفحات ۸۸-۹۵.
- ۳۵- عالم، عبدالرحمان، ۱۳۷۸، بنیادهای علم سیاست، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- ۳۶- علوی تبار، علیرضا، ۱۳۸۷، اقتصاد سیاسی به عنوان یک برنامه پژوهشی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال نهم، شماره دوم، صفحات ۱۹۲-۱۷۳.
- ۳۷- عسگری، علی، ۱۳۸۰، مدیریت شهر (خط مشی هاو نوآوری ها در کشورهای در حال توسعه)، شهرداری تهران،
- ۳۸- فرید، یدالله، ۱۳۷۹، شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی، چاپ اول، اهر، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اهر.
- ۳۹- نظریان، اصغر، ۱۳۸۹، جغرافیای شهری ایران، چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۴۰- فرید، یدالله، ۱۳۹۱، جغرافیا و شهرشناسی، چاپ نهم، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۴۱- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۲، انسان شناسی شهری، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
- ۴۲- قربانی، رسول، حسین آبادی، سعید، طورانی، علی، ۱۳۹۲، شهر های خلاق رویکردی فرهنگی در توسعه ی شهری، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره یازدهم.
- ۴۳- لرنر، آ. یا؛ مبانی سبیرنتیک، ۱۳۶۶، ترجمه: پریانی، کیومرث، تهران، دانش پژوه.
- ۴۴- مقتدری اصفهانی، فرناز، ۱۳۸۹، فناوری اطلاعات و ارتباطات و بستر نوین طراحی شهری، صفا، دوره ۲۰، شماره ۵۱، صفحات ۸۹-۹۶.
- ۴۵- ملاتی توانی، علیرضا، ۱۳۸۸، مظهری و مفاهیم تاریخی در قلمرو فلسفه تاریخ، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری، سال نوزدهم، شماره ۲، پیاپی ۷۸، صفحات ۱۷۰-۱۴۵
- ۴۶- مومنی، مصطفی، ۱۳۶۶، ماخذ شناسی جغرافیای شهری ایران، تهران، فصلنامه ی تحقیقات جغرافیایی، شماره ی ۵.
- ۴۷- مقصودی، ملیحه، ۱۳۹۳، الگویی مفهومی برای تحلیل فضاهای شهری، تهران، پیام.
- ۴۸- مهدوی وفا، حبیب الله، رضویان، محمد تقی، مومنی، مصطفی، ۱۳۸۸، نقش اقتصاد سیاسی در ساختار فضایی تهران و پیرامون، مجله محیط شناسی، سال ۳۵، شماره ۵۰، صفحات ۱-۱۴.
- ۴۹- میلز، ادوین؛ همیلتون، بروس، ۱۳۷۵، اقتصاد شهر، ترجمه: کوثری، عبدالله، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۵۰- میلر، جی. تی، ۱۳۸۲، زیستن در محیط زیست، مترجم: مخدوم، مجید، چاپ هشتم، تهران، دانشگاه تهران.
- ۵۱- میر حیدر، دره، ۱۳۸۹، مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ شانزدهم، تهران، سمت.
- ۵۲- ناری قمی، مسعود؛ قره بگلو، مینو، ۱۳۹۴، الگوواره دانش روانشناسی محیط در تعامل با اندیشه اسلامی، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، شماره ششم، سال سوم، صفحات ۳۸-۱۹.
- ۵۳- نقی زاده، محمد، ۱۳۹۲، تاملی در عوامل شکل دهنده ی شهر، فصلنامه ی کتاب ماه هنر، ۱۸۲، ۷۱-۶۰.
- ۵۴- نیاکویی، امیر، ۱۳۸۶، جهانی شدن و توسعه با نگاهی به ایران، تهران، موسسه انتشارات کتاب دانشجو.
- ۵۵- وبر، ماکس، ۱۳۷۰، شهر در گذر زمان، ترجمه: کاویانی، شیوا، تهران، انتشارات سهامی کاویان
- ۵۶- ودیعی، کاظم، ۱۳۵۴، مقدمه ای بر محیط شناسی، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست.
- ۵۷- وینر، نوربرت؛ استفاده انسانی از انسان ها، سبیرنتیک و جامعه، مهرداد ارجمند، تهران، شرکت سهامی.
- ۵۸- یاراحمدی، امیر، ۱۳۷۸، به سوی شهرسازی انسانگرا، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۵۹- Crowe, T. ۲۰۰۰. Crime Prevention Through Environmental Design: Applications of Architectural Design and Space Management Concepts. Butterworth Heinemann. Oxford.
- ۶۰- Florida, Richard (۲۰۰۵) cities and creative class, Routledge, New York-London.
- ۶۱- Leite, Carlos; del Rio, Vicente; and Felix, Karlo (۲۰۰۵) "Sustainable Redevelopment and Innovation In a Global City: Interdisciplinary Design for São Paulo, Brazil," *Focus*: Vol. ۲: Iss. ۱, Article ۲۲. DOI: ۱۰.۱۵۳۶۸/focus.۲۰۰۵v۲n۱.۱۷
- ۶۲- Lewis Mumford ۱۹۶۱. The City in History, its Origins, its Transformation and its Prospect. London.
- ۶۳- Monahan, Torin. ۲۰۰۶. Surveillance and Security, Technological Politics and Power in Every day Life, Taylor & Francis Group, New York-London.